قانون وکالت

مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۱۵

با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۲۹/۰۳/۱۳۴۶

**مجموعه قوانین**

**فصل اول**

**وکیل و شرایط وکالت**

**ماده ۱-** وکالت در عدلیه دارای درجات ذیل است:

۱-وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف و تمیز.

۲-وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف.

۳- وکالت در محاکم صلح و بدایت.

تبصره ۱- وزارت عدلیه می‌تواند وکالت وکلا درجه ۲ و ۳ را محدود به حوزه معین نماید.

تبصره ۲- وزارت عدلیه می‌تواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان شغل وکالت که معلوماتشان کافی برای درجات سه‌گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محاکم صلح یا محقق ثبت یا نزد مامورین صلح در حوزه‌های معین بدهد- اگر داوطلب مزبور در‌ حین اجرای این قانون مشغول وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه گانه فوق تصدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود این اشخاص کارکشا ‌نامیده می‌شوند.

**ماده ۲-** اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد اگر بخواهند برای اقربا سببی یا نسبی خود تا‌ درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آن ها در سال سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود.

**ماده ۳-** وزارت عدلیه می‌تواند بدوا به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه اول بدهد:

۱- به اشخاصی که سابقاً صلاحیت آنان را محکمه انتظامی برای وکالت در تمام مراحل قضائی تصدیق نموده باشد و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

۲- به اشخاصی که لااقل دارای رتبه پنج قضائی بوده و پنج سال متوالی یا متناوب خدمت قضائی داشته باشند- یا با اشخاصی که شاغل خدمات‌ قضائی در طبقه دوم مقامات قضائی گردیده و مدت پنج سال متوالی یا متناوب اشتغال به خدمات مزبوره داشته و در هر صورت سلب صلاحیت ‌قضائی از آنها نشده باشد.

۳- به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند و یکسال قضاوت یا دو سال‌ وکالت کرده‌اند.

۴- به کسانی که قبل از اجراء این قانون نه سال سابقه شغل وکالت دارند با اینکه مجموع اشتغال ایشان در شغل قضائی و وکالت نه سال باشد و‌ محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجرای این قانون هم اجازه وکالت در تمام مراحل داشته باشند.

**ماده ۴-** وزارت عدلیه می‌تواند بدوا با اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه دوم بدهد:

۱- اشخاصی که سه سال متناوب یا متوالی اشتغال به خدمات قضائی داشته و سلب صلاحیت قضائی از آنها نشده باشد.

۲- با اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند

۳- با اشخاصی که قبل از اجراء این قانون شش سال سابقه شغل وکالت دارند و یا اینکه مجموع اشتغال آنها به خدمات قضائی و وکالت شش سال ‌بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجراء این قانون اجازه وکالت داشته باشند

**ماده ۵-**  وزارت عدلیه می‌تواند بدوا با اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه سوم بدهد .

۱-  فارغ‌التحصیلهای کلاس قضائی که یکسال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند.

۲-  اشخاصی که قبل از اجراء این قانون ۳ سال سابقه شغل وکالت داشته و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

۳-  به فارغ‌التحصیل های کلاس قضائی با یک سال آزمایش یا کسانی که برنامه کلاس قضائی را در مواقعی که وزارت عدلیه معین می نماید امتحان بدهند با یکسال آزمایش.

**ماده ۶ـ** اشخاصی که بموجب حکم محکمه انتظامی ممنوع‌ الوکاله شده‌اند هر کاه[گاه] موجب حکم صرفا فقد معلومات بوده می‌توانند از مقررات تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نماینده هر کاه [گاه] ممنوعیت فقط از جهات اخلاقی بوده پس از پنج سال از تاریخ صدور حکم می‌توانند اعاده حیثیت نمایند ‌مشروط بر اینکه در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آنها مشاهده نشده باشد هر کاه [گاه] ممنوعیت از هر دو جهت بوده در صورت گذشتن پنج سال نیز‌ می‌توانند از مورد تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند.

**ماده ۷ـ** به اشخاص ذیل اجازه شغل وکالت داده نمی شود:

۱ـاتباع خارجه.

۲ـ قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی در حین اشتغال به خدمت به استثناء استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس یکی از‌ شعب حقوقی دارند در صورت اجازه وزارت معارف.

۳ـ کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال است.

۴ـ محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵ـ اشخاصی که مرتکب اعمالی شوند که منافی با شئون وکالت است.

۶ـ اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر باستعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۷ـ اشخاصی که تحت ولایت یا قیمومت هستند.

۸ـ محکومین به جنایت مطلقا و محکومین به جنحه که بموجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی یا از شغل وکالت باشند و یا اینکه‌ محکمه محکومیت مزبور را در حکم خود قید کرده باشد.

۹ـ کسانی که به اتهام ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که بموجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی است تحت محاکمه هستند.

۱۰ـ اشخاصی که بامر وزیر عدلیه طبق ماده ۴۷ این قانون از شغل وکالت معلق هستند.

۱۱ـ اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

۱۲ـ وکلا که وجه پروانه وکالت را در موعد مقرر نپردازند.

۱۳ـ وکلائی که در ظرف مدتی که وزارت عدلیه برای اجرای ماده یک این قانون در هر حوزه قضائی تعیین می‌نمایند درخواست پروانه وکالت ننمایند.

**ماده ۸ـ** اشخاصی که قبل از اجراء این قانون پروانه وکالت نداشته و بخواهند آنرا تحصیل نمایند در صورت دارا بودن شرایط مقرره در این قانون ‌باید لااقل مدت یکسال در کانون وکلا عمل بنمایند. عمل مزبور- دوره آزمایش نامیده می‌شود.

‌ترتیب وکالت وکلا را در دوره آزمایش و طرز مداخله آنها را در محاکمات و تمریناتی که طی دوره آزمایش بایستی در امور قضائی انجام دهند وزارت عدلیه بموجب نظامنامه معین می‌نماید:

‌برای وکالت در دوره آزمایش پروانه مخصوص مقرر است و مراحلی را که طبق این قانون در دوره آزمایش اجازه داده میشود وکالت بنمایند در آن قید ‌می گردد.

‌در مورد اشخاصی که دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا از دانشکده‌های داخله یا خارجه هستند دوره آزمایش فقط برای پروانه وکالت درجه اول لازم‌ است ولی با داشتن سوابق خدمات قضائی یا اداری در وزارت عدلیه وزیر عدلیه می‌تواند آنها را نیز از دوره آزمایش معاف کند.

تبصره ۱ـ وزارت عدلیه می‌تواند اشخاصی را که مشمول مورد ۲ و ۳ ماده ۳ این قانون هستند از دوره آزمایش معاف بدارد.

تبصره ۲ـ در صورتیکه وکیل در دوره آزمایش طبق نظامنامه از طرف یکی از وکلا در محاکمات دخالت نماید مسئولیت اعمال او متوجه وکیلی ‌است که او را تعیین نموده و هر گاه از طرف معاضدت قضائی کار باو احاله شود بایستی تحت هدایت و نظارت معاضدت قضائی انجام وظیفه نماید.

**ماده ۹ـ** اجازه وکالت درجات ۱ و ۲ و ۳ که مطابق قانون ۲۰ شهریور ۱۳۱۴ تا تصویب این قانون تصدیق شده در صورت تسلیم تقاضاکننده به اعتبار خود باقی است.

**ماده ۱۰ـ** اشخاصی که می‌خواهند اجازه وکالت تحصیل نمایند باید به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه تقاضانامه بدهند. ترتیب تقاضانامه را‌ وزارت عدلیه تعیین خواهد نمود.

**ماده ۱۱ـ** دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه در ظرف دو ماه از تاریخ تقاضانامه باید عقیده خود را در رد یا قبول تقاضا و در صورت قبول درجۀ ‌که برای تقاضاکننده در نظر گرفته به مشارالیه یا اقامت گاه قانونی او ابلاغ نماید در صورتی که تقاضاکننده تسلیم به عقیده اداره مزبوره باشد پروانه وکالت ‌در حدود مقررات این قانون صادر می‌شود.

‌نسبت به تقاضای وکالت اتفاقی دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه هر چه زودتر تکلیف رد یا قبول تقاضا را معین می‌کنند.

**ماده ۱۲ـ** اشخاصی که به تصمیم و تشخیص دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه تسلیم نیستند می‌توانند تا یکماه پس از ابلاغ نظریه دفتر‌ مزبور محکمه انتظامی رجوع و تقاضای رسیدگی نمایند عرضحال مزبور در مرکز مستقیما به دفتر محکمه انتظامی و در ولایات به دفتر یکی از‌ محاکم محل اقامت شاکی تقدیم می‌شود و دفتر آن محکمه مکلف است در ظرف ۳ روز به محکمه انتظامی ارسال دارد تا تکلیف اختلاف در محکمه ‌انتظامی تعیین نشده است رای دفتر مزبور موقتا معتبر است.

**ماده ۱۳ـ** محکمه انتظامی نسبت بجهه اختلاف رسیدگی کرده و با در نظر گرفتن سوابق اخلاقی او رأی مقتضی صادر و به دفتر بازرسی و‌ تشکیلات وکلاء عدلیه و شاکی ابلاغ می‌نماید. رأی مزبور قطعی است.

**ماده ۱۴ـ** وکلاء عدلیه باید مطابق نظامنامه وزارت عدلیه قسم یاد نمایند.

**ماده ۱۵ـ** پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمبر شود.

۱ـ پروانه وکالت درجه یک ۴۰۰۰ ریال.

۲ـ پروانه وکالت درجه دو ۲۰۰۰ ریال.

۳ـ پروانه وکالت درجه سه ۱۵۰۰ ریال

۴ـ پروانه وکالت کارگشایی به تفاوت نقاط از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال.

۵ـ کلیه هزینه‌های دادرسی دفتری دادگاههای مدنی خاص در سطح دادگاههای حقوقی ۲ تثبیت می‌گردد.

**ماده ۱۶ـ** پس از انجام مقررات فوق اسم وکیل در مجله رسمی درج و در لوحه مخصوص ثبت و در اطاق محکمه نصب میشود.

**فصل دوم**

**‌تشکیلات وکلاء**

**ماده ۱۷ـ** وزارت عدلیه در هر محلی که مقتضی بداند کانون وکلا تشکیل خواهد داد.

**ماده ۱۸ـ** کانون وکلاء مؤسسه‌ ایست دارای شخصیت حقوقی از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج مستقل می باشد.

**ماده ۱۹ـ** وظایف کانون به قرار ذیل است:

۱ـ نظارت در اعمال وکلا و تهیه موجبات ترقی علمی و اخلاقی آن ها.

۲ـ معاضدت قضائی (‌تعیین وکیل برای اشخاص معسر یا بی‌بضاعت) مطابق نظامنامه وزارت عدلیه.

۳ـ راهنمائی و تعلیمات به اشخاصی که در عدلیه یا اداره ثبت مراجعه دارند و از قوانین بی‌اطلاع هستند.

۴ـ سرپرستی وکلاء مبتدی و تنظیم دوره آزمایش آنها.

**ماده ۲۰ـ** کانون هر محل بوسیله هیئت مدیره اداره خواهد شد .

‌هیئت مدیره مرکب است از پنج الی دوازده نفر عضو که وزیر عدلیه از بین وکلا انتخاب می کند.

‌اعضای هیئت مدیره باید حتی‌الامکان از وکلاء درجه اول و یا دوم باشند.

**ماده ۲۱ـ** انتخاب هیئت عامله کانون با وزارت عدلیه استـ رئیس کانون ممکن است از مستخدمین قضائی یا اداری وزارت عدلیه انتخاب شود.

**ماده ۲۲ـ** دفتر- اوراق راجعه به وکالت باید مطابق نمونه که کانون مرکز تعیین می‌نماید تهیه شودـ درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون‌ خواهد رسید.

**ماده ۲۳ـ** وکلا عدلیه مکلفند همه ‌ساله در ۳ دعوای حقوقی بعنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم‌له واقع شود ‌حق‌الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود باو پرداخته خواهد شدـ پنج بک آن متعلق به کانون است.

**ماده ۲۴ـ** کسانی که قدرت تادیه حق‌الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط بر اینکه دعوی با اساس و راجع به شخص ‌تقاضا کننده باشد . طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضائی را وزارت عدلیه بموجب نظامنامه معین خواهد نمود.

**فصل سوم**

**حقوق و وظائف**

**ماده ۲۵ـ** وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین می‌نماید متابعت نمایند .

**ماده ۲۶ـ** با احراز شرائط ذیل وکیل می‌تواند درجه وکالت بالاتر نائل گردد.

۱ـ اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.

۲ـ حسن انجام وظیفه در محاکم مربوطه و حسن انجام معاضد تهائی که باو رجوع شده.

۳ـ ترقی علمی و عملی در امر وکالت.

‌ترتیب ترفیع وکلاء را وزارت عدلیه بر طبق نظامنامه تعیین خواهد نمود.

تبصرهـ محکومیت انتظامی از درجه سه ببالا یکسال بر مدت مقرره در مورد یک این ماده می افزاید.

**ماده ۲۸-** (اصلاحی مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۴) در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنائی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان‌ جنائی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد.

در صورتی که ‌وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنائی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر می‌شود و به دادگاه‌های دیگر لایحه می‌فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می‌دارد.

جلسه رسیدگی در هر حال از این‌ جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در اینصورت یا بدادگاه مذکور وکیل دیگری می‌فرستد و یا اگر حق‌ توکیل نداشته باشد نسخه ثانی احطاریه دادگاه جنائی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه میکند و در صورت اخیر جلسه ‌فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

‌تبصره ۱ـ وکیل باید دادگاه جنائی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه جنائی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل‌ در هر یک از دادگاه‌های مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

‌تبصره ۲ـ عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی بعمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و‌عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی‌شود و دادگاه برسیدگی ادامه می‌دهد.

‌تبصره ۳ـ هرگاه جلسه دادگاه جنائی یا هر دادگاه جزائی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود رئیس ‌دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل‌ دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه ‌از متهم دفاع می کند و دادگاه حکم خواهد داد.

**ماده ۲۹ـ** از وکلائی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی‌شود. ‌هر گاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید بیکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل ‌بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.

**ماده ۳۰ـ** وکیل باید اسراری که بواسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ‌ نماید.

**ماده ۳۱ـ** وکلاء باید وکالت انتخابی حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و نظامات بآنها ارجاع می‌شود قبول نمایند.

تبصرهـ مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزائی و از طرف کانون در امور حقوقی با آنها ارجاع می‌شود.

**ماده ۳۲ـ** وکلا باید با موکل خود قرارداد حق‌الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالت نامه به دفتر محکمه تسلیم دارند‌ قرارداد حق‌الوکاله و فهرست اسنادی که موکل بوکیل می‌سپارد و همچنین قبوض وجوهی که وکیل دریافت می‌دارد مطابق نمونه‌ ایست که از طرف ‌وزارت عدلیه معین خواهد شد.

**ماده ۳۳ـ** قرارداد حق‌الوکاله که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود باید به ترتیب تصاعد نسبت به مدعی‌ و نسبت به مراحل محاکمه‌ بدایت و استیناف و تمیز معین شود.

‌میزان خسارتی که محکوم‌له می‌تواند از محکوم‌علیه مطالبه نماید همچنین میزان مخارج مسافرت هایی که وکلاء عدلیه برای امور وکالتی می‌نمایند نیز‌ مطابق تعرفه‌ ایست که وزارت عدلیه تنظیم می‌نماید.

**ماده ۳۴ـ** دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرره بعنوان حق‌الوکاله و علاوه بر مخارج‌ لازمه بهر اسم و هر عنوان که باشد ولو بعنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می‌شود و‌ چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود .

در صورتی که وکیل این عمل را بطور حیله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال ‌یا سندی در ظاهر بعنوان دیگر و در باطن راجع بعمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب ‌و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.

**ماده ۳۵ـ** مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج تحقیقات و معاینه محلی و حق‌الزحمه مصدقین ‌و خبره و حق‌الحکمیه و خرج تلگراف و پست و طبع اعلانات.

**ماده ۳۶ـ** در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلا طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع‌ برای خود معین و به محکمه معرفی کند.

**ماده ۳۷ـ** وکلاء نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث‌ را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم‌مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این موارد بپذیرند.

**ماده ۳۸ـ** وکلاء نباید بطور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا بمنظور تطویل محاکمه بوسیلۀ خدعه‌آمیزی ‌متوسل شوند

‌در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ ببالا محکوم خواهند شد.

**ماده ۳۹ـ** وکیل حق ندارد دعاوی را بطور مصانعه یا در ظاهر باسم دیگری و در باطن باسم خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه‌ پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ ببالا محکوم خواهد شد.

**ماده ۴۰ـ** وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلا بواسطه سمت قضائی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.

**ماده ۴۱ـ** در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید بمحرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.

**ماده ۴۲ـ** وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوایح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری و نسبت بوکلاء و‌اصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ ببالا محکوم خواهند شد

مگر اینکه عمل مشمول یکی از عناوین‌ جزائی باشد که در این صورت لااقل به حداکثر مجازات مقرره در قانون محکوم خواهند شد.

**ماده ۴۳ـ** وکلاء باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع بامر وکالت است ثبت و ضبط نمایندـ طرز تنظیم و نگاهداری آنرا ‌دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء معین خواهد نمود و حفظ دفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.

**ماده ۴۴ـ** وکلاء باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است باسرع اوقات بموکل یا‌ متصدی امور او کتبا اطلاع دهند بطوریکه تفویت حقی از او نشود.

**ماده ۴۵ـ** وکلاء باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت بان قبول وکالت می‌نمایند اعم از حقوقی و جزائی مخصوصا در‌ اقامه دعوی جزائی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق‌الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند.

**فصل چهارم**

**در تعقیب و مجازات انتظامی وکلاء**

**ماده ۴۶ـ** مرجع تحقیق و رسیدگی مقدماتی نسبت به شکایات واصله از وکلاء و تخلفات آنان دفتر بازرس و تشکیلات وکلاء عدلیه است و محاکمه ‌انتظامی آنان در محکمه بعمل می آید مرکب از سه نفر عضو که وزیر عدلیه از بین مامورین قضائی یا اداری عدلیه یا وکلا و یا بطور مختلط تعیین می‌کند.

‌طرز تحقیق و رسیدگی مقدماتی و تجدید نظر و مواعد محاکمه انتظامی وکلاء را وزارت عدلیه بموجب نظامنامه تعیین خواهد نمودـ پار که انتظامی وکلاء دفتر بازرس و تشکیلات وکلاء عدلیه است.

**ماده ۴۷ـ** وزیر عدلیه می‌تواند پس از آنکه بوسیله دفتر بازرس و تشکیلات وکلاء عدلیه یا بوسیله کانون وکلاء و یا بوسائل دیگر از سوء اعمال ‌و رفتار و تخلفات وکیلی مطلع شد امر بتعقیب انتظامی او بدهد و در موردی که اشتغال وکیل مزبور بوکالت تا تعیین تکلیف قطعی او منافی با‌ حیثیت وکلاء و یا موجب ضرر برخلاف حقی برای اشخاص باشد او را از شغل وکالت معلق دارد.

**ماده ۴۸ـ** محکمه انتظامی وکلاء مکلف است پس از وصول اولین ادعانامه انتظامی یا بتقاضای وزیر عدلیه علاوه بر رسیدگی انتظامی از جهت ‌تخلف به صلاحیت اخلاقی و لیاقت علمی و عملی وکیل مورد تعقیب نیز رسیدگی نماید جز در مورد وکلائی که دارای مدارک علمی یا پروانه درجه ‌اول هستند که در اینصورت رسیدگی به لیاقت علمی آنها لازم نیست.

**ماده ۴۹ـ** استرداد شکایت از وکیل و استعفای مشتکی‌عنه از شغل وکالت مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب ‌تخفیف مجازاتست.

**ماده ۵۰ـ** در صورتی که حضور وکیل برای رسیدگی مقدماتی انتظامی و یا محاکمه انتظامی لازم و احضار شده و بدون عذر موجه حاضر نگردیده یا‌ در موعد مناسبی که برای او معین شده جواب کتبی استیضاح را ندهد وزارت عدلیه می‌تواند او را موقتا تا خاتمه رسیدگی از وکالت معلق نماید.

**ماده ۵۱ـ** مجازاتهای انتظامی به قرار ذیل است:

۱ـ توبیخ شفاهی ۲ـ توبیخ کتبی با درج در پرونده ۳ـ توبیخ با درج در مجله رسمی ۴ـ ممنوعیت موقت از ۳ ماه الی یک دو سال ۵ـ تنزل درجه ۶ـ محرومیت دائم از شغل وکالت.

‌وزیر عدلیه می‌تواند در صورت احراز سوء اعمال و رفتار یا تخلفات وکیلی یکی از مجازاتهای انتظامی تا درجه ۴ را درباره او مستقلا اعمال نماید و رای ‌وزیر در این موضوع قابل شکایت نیستـ در صورتی که حکم مجازات از طرف محکمه صادر شود تا درجه ۳ نسبت بمحکوم‌علیه قطعی است.

**ماده ۵۲ـ** محکمه تجدید نظر تشکیل می‌شود از یک‌نفر از اعضاء محکمه بدوی که به حکم قرعه انتخاب می‌شود و دو نفر از مستخدمین قضائی ‌که همه ‌ساله بطور ثابت از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود.

**ماده ۵۳ـ** وزیر عدلیه می‌تواند در صورتی که رفتار وکیلی موجب اختلال مهمی در جریان امور قضائی حوزه معینی باشد او را مادام که موجبات ‌اختلال باقی است از اشتغال بامر وکالت در آن حوزه ممنوع نماید.

**ماده ۵۴ـ** مرور زمان نسبت بتعقیب انتظامی وکلاء دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.

**ماده ۵۵ـ** وکلاء معلق و اشخاص ممنوع‌الوکاله و بطور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ‌ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه بوسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود ‌را اصیل در دعوی قلمداد نماید مختلف از یک الی شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد.

**فصل پنجم**

**مقررات مختلفه**

**ماده ۵۶ـ** در صورت فوت و حجر وکیل مدعی‌العموم بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یا مامور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق‌ راجعه بانها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی و در صورت استنکاف ورثه و یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی‌العموم ‌یا قائم‌مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح اسناد را اخذ و بصاحبش رد می‌نماید و صورت‌ مجلسی در هر دو باب تنظیم و امضاء می‌نماید ‌و رسید اوراق را گرفته بمتصدی امور متوفی میدهد.

**ماده ۵۷ـ** هر کاه محاکم و مدعیان عمومی در اجراء مواد اینقانون بی‌نظمی یا مسامحه مشاهده کرده یا متوجه شوند وکیلی از عهده انجام وظیفه‌ وکالتی بر نمی‌آید و همچنین هر گاه از سوء اخلاق و اعمال وکیلی مطلع کردند مکلفند بدون تاخیر مراتب را بوزیر عدلیه گزارش دهندـ در صورت ‌تخلف به مجازات انتظامی تا درجه ۴ محکوم خواهند شد.

**ماده ۵۸ـ** فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و ‌قانون وکالت مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می‌شود.

این قانون که مشتمل بر پنجاه و هشت ماده است در جلسه بیست و پنجم بهمن ماه یک هزار و سیصد و پانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رییس مجلس شورای ملی-حسن اسفندیاری